

۱۹۹۹



دانشگاه شاهرود

دانشکده هنر

پایان نامه

جهت دریافت درجه‌ی کارشناسی ارشد

رشته‌ی پژوهش هنر

عنوان:

بررسی موجودات ترکیبی در هنر هزاره‌های چهارم تا دوم پیش از میلاد ایران

باستان

(دامنه‌های جنوبی فلات ایران)

استاد راهنما:

دکتر احمد نادعلیان

استاد مشاور:

دکتر محسن مرآئی

نگارش:

مریم ابراهیمی پور

دی ۱۳۸۹

تقدیم بہ

مادہ نزر کوارم

کہ تمام زندگی من از اوست...



دانشگاه شهید
دانشکده هنر

چکیده پایان نامه

این چکیده به منظور چاپ در نشریات دانشگاه تهیه شده است.

عنوان: بررسی موجودات ترکیبی در هنر هزاره‌های چهارم تا دوم پیش از میلاد ایران باستان (دامنه‌های جنوبی فلات ایران)

استاد راهنما: دکتر احمد نادعلیان

استاد مشاور: دکتر محسن مراشی

دانشجو: مریم ابراهیمی پور

شماره دانشجویی: ۸۶۷۴۹۴۰۰۳

رشته: پژوهش هنر

نمونه‌های متعددی از موجودات ترکیبی در آثار مکشوفه متعلق به نواحی جنوب غرب و جنوب شرق ایران در هزاره‌های چهارم تا دوم قبل از میلاد وجود دارند. بدون تردید چنین مخلوقاتی زائیده‌ی اعتقادات و باورهای انسان‌های آن دوره هستند. (دفع شر و بدی و حفاظت و نگاهبانی از جمله کارکردهایی می‌باشند که برای این موجودات قایل بودند.) می‌توان گفت؛ اقوام باستانی در تقابل با دنیای پُر مخاطره‌ای که پیش رو داشتند، به مدد نیروی تخیل خود و با یاری گرفتن از حیوانات، پرندگان و گیاهان و ترکیب کردن آنان به اشکال مختلف، انواع و اقسام موجودات ترکیبی را خلق کردند که علیرغم شکل و ظاهر غیرطبیعی؛ آبر نیروهایی محسوب می‌شدند که می‌توانستند امنیت زندگی بشر را تضمین کنند. علاوه بر اینها تشابهاتی که در برخی موارد میان این نمونه‌ها وجود دارد، مؤید ارتباطات مسالمت‌آمیز یا خصمانه بین مناطق مختلف بوده است. در این پژوهش سعی شده که تعدادی از نمونه‌های در دسترس این موجودات در دو حوزه‌ی جنوب غرب: ایلام و جنوب شرق: شهداد، جیرفت و تپه‌یحیی با استفاده از دو روش تاریخی و توصیفی و بر مبنای اطلاعات جمع آوری شده از منابع کتابخانه‌ای مورد بررسی قرار گیرند.

واژگان کلیدی: هنر، ایران باستان، موجودات ترکیبی

نظر استاد راهنما: برای چاپ در نشریات مربوط به دانشگاه مناسب است. تاریخ امضا

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
-------	------

پیشگفتار..... ج

مقدمه..... ۱

فصل اول: اوضاع تاریخی و فرهنگی ایلام

۱-۱. سرزمین باستانی ایلام..... ۱۹

۱-۲. نژاد و زبان ایلامی‌ها..... ۲۱

۱-۳. فرمانروایان عمده ایلام و بین‌النهرین..... ۲۵

۱-۳-۱. پادشاهان سلسله‌ی اکد و دودمان اوان..... ۲۲

۱-۳-۲. پادشاهان سلسله‌ی اور سوم و دودمان سیماش..... ۲۶

۱-۳-۳. دوران بابل قدیم و دودمان سوکل‌مخ‌ها..... ۲۸

۱-۳-۴. دوره‌ی ایلام‌میان‌ی؛ شاهان انشان و شوش..... ۳۰

فصل دوم: مذهب و اعتقادات در ایلام

۲-۱. تقدس زن..... ۳۵

۲-۲. کیتن؛ قدرت اسرارآمیز..... ۳۵

۲-۳. ماهیت خدایان ایلامی/تشکیلات مذهبی..... ۳۶

۲-۴. معاهده‌ی هیتا و نرام‌سین..... ۳۶

۲-۴-۱. مادر خدایان (برتری ایزدبانوان بر ایزدان در مجمع خدایان ایلامی)..... ۳۷

۲-۴-۲. ایزد هومیان..... ۳۸

۲-۴-۳. ایزد صیت..... ۳۸

۲-۴-۴. ایزد نهونته..... ۳۹

۲-۴-۵. ایزد اینشوشینک..... ۴۰

۲-۴-۶. ایزد شیموت..... ۴۱

۲-۴-۷. ایزدبانو منزلت..... ۴۱

۲-۴-۸. ایزد ناپیر..... ۴۲

۲-۴-۹. ایزدبانو نارونته..... ۴۲

۲-۴-۱۰. ایزد آمبا..... ۴۳

۲-۴-۱۱. ایزد نینورتا..... ۴۴

۴۴	ایزدبانو نین کرک	۲-۴-۱۲
فصل سوم: اوضاع فرهنگی و تاریخی تمدن‌های واقع در جنوب شرقی ایران (کرمان)		
۴۶	نظرات مختلف درباره‌ی سرزمین آراتا (پیش از کاوش‌های جیرفت)	۳-۱
۴۹	تمدن کهن شهداد (خیص)	۳-۲
۵۱	تمدن تپه یحیی	۳-۳
۵۳	کشفیات جدید در حوزه‌ی هلیل رود؛ جیرفت	۳-۴
فصل چهارم: موجودات ترکیبی در هنر هزاره‌های چهارم تا دوم قبل از میلاد ایران باستان		
۶۲	اسطوره‌ی آفرینش	۴-۱
۶۵	نقش مار در فرهنگ و اساطیر ایلامی	۴-۲
	مار خدایان	۴-۳
۶۷	مارهای چنبره‌زده با سر انسانی	۴-۳-۱
۷۸	مار خدایان با بدن انسانی	۴-۳-۲
	اژدرمار/مار اژدها	۴-۳-۳
۸۰	مار اژدها در ایلام (لوحه‌ی سنگی اونتاش گال)	۴-۳-۳-۱
۸۲	مار اژدها در حوزه‌ی جنوب شرقی ایران؛ جیرفت، تپه یحیی	۴-۳-۳-۲
۸۹	صورت زخمی؛ ماراژدهای شبه انسان	۴-۳-۳-۳
۹۱	اژدهامار/اژدرمار در بین‌النهرین	۴-۳-۳-۴
	مارهای شاخدار	۴-۳-۴
۹۲	مار شاخدار در ایلام	۴-۳-۴-۱
۹۵	مار شاخدار در حوزه‌ی جنوب شرقی ایران؛ جیرفت	۴-۳-۴-۲
	انسان ماردوش	۴-۳-۵
۹۷	انسان ماردوش در ایلام	۴-۳-۵-۱
۱۰۰	انسان ماردوش در بین‌النهرین	۴-۳-۵-۲
	گاو انسان‌ها	۴-۴
۱۰۱	گاو انسان در بین‌النهرین و اعتقادات رایج درباره‌ی آن	۴-۴-۱
۱۰۵	گاو انسان در هنر ایلام	۴-۴-۲
۱۱۱	گاو انسان در حوزه‌ی جنوب شرقی ایران؛ جیرفت	۴-۴-۳
	عقرب انسان	۴-۵
۱۱۳	عقرب انسان در بین‌النهرین	۴-۵-۱
۱۱۶	عقرب انسان در ایلام	۴-۵-۲

..... ۱۱۸	عقرب انسان در حوزه‌ی جنوب شرقی ایران؛ جیرفت	۴-۵-۳
..... ۱۲۲	شیردال/گریفین	۴-۶
	ایزدان آب	۴-۷
..... ۱۲۹	انکی؛ ایزد آب در بین‌النهرین	۴-۷-۱
..... ۱۳۳	ایزد آب در ایلام	۴-۷-۲
	ایزد خورشید	۴-۸
..... ۱۴۴	نهونته؛ ایزد خورشید ایلامی	۴-۸-۱
..... ۱۴۴	شمش؛ ایزد خورشید بین‌النهرینی	۴-۸-۲
..... ۱۴۴	سیماشناسی ایزد خورشید	۴-۸-۳
..... ۱۴۸	ایزد خورشید در حوزه‌ی جنوب شرقی ایران؛ جیرفت	۴-۸-۴
	دیوها و هیولاها	۴-۹
..... ۱۵۱	اعتقادات رایج درباره‌ی دیوها	۴-۹-۱
	دیوها در حکم سلطان جانوران (پهلوانان انسانی دیوسان)	۴-۹-۲
..... ۱۵۲	سلطان جانوران دیوسان در هنر ایلام	۴-۹-۲-۱
..... ۱۵۸	سلطان جانوران دیوسان در حوزه‌ی جنوب شرقی ایران؛ شهداد، جیرفت	۴-۹-۲-۲
..... ۱۶۲	شیر دیوها/گاو دیوها	۴-۹-۳
..... ۱۷۸	ابوالهول/اسفینکس/اسفینکس	۴-۱۰
	ایزدبانوان	۴-۱۱
..... ۱۸۴	ایزدبانوان در حوزه‌ی جنوب شرقی ایران؛ شهداد	۴-۱۱-۱
..... ۱۸۹	ایزدبانوان در حوزه‌ی جنوب شرقی ایران؛ تپه‌یحیی	۴-۱۱-۲
..... ۱۹۲	ایزدبانوان در حوزه‌ی جنوب شرقی ایران؛ جیرفت	۴-۱۱-۳
..... ۱۹۵	نتیجه‌گیری	
..... ۲۰۴	فهرست تصاویر	
..... ۲۱۳	فهرست اعلام	
..... ۲۱۸	منابع و مأخذ	
..... ۲۲۳	چکیده انگلیسی	

پیشگفتار

به هنگام تحصیل در مقطع کارشناسی، واحد درسی با عنوان "سیر تحول و تطور نقوش در هنرهای سنتی" ارایه و قرار بر این شد که هر دانشجوی، موضوعی انتخاب کند و در خصوص آن به تحقیق پردازد. این نخستین مجالی بود که برای من فراهم شد تا در مورد "موجودات اسطوره‌ای" مطالعاتی داشته باشم. دنیای عجیب و پر رمز و راز آنها چنان جذب کننده بود که تا مدت‌ها درگیر آن بودم. البته بدیهی است که در طول یک ترم حدوداً چهار ماهه-آنچنان که باید و شاید-فرصت زیادی برای پرداختن به خیلی از جنبه‌های این موضوع فراهم نمی‌شود، ولی با وجود مطالعات پراکنده و ناقص و گردآوری یکسری تصاویر و در نهایت؛ تحویل یک کار تحقیقی حدود هفتاد صفحه‌ای، چنان به این حیطة علاقمند شدم که تصمیم گرفتم در فرصتی دوباره کار را ادامه دهم. در همین جا لازم میدانم از استاد محترم، سرکار خانم نیکخواه که نخستین مشوق من در این راه بودند، تشکر کنم؛ بانوی بسیار دقیق و نکته سنجی که اینک به ارزش کارشان پی برده‌ام.

با ورود به مقطع کارشناسی ارشد و مطرح شدن بحث انتخاب عنوان برای پایان‌نامه، مجال پرداختن مجدد به این حوزه برای من فراهم شد. لازم بذکر است که جناب آقای دکتر نادعلیان؛ استاد راهنمای محترم اینجانب و علاقه‌ی ایشان به هنر دوران باستان و راهنمایی‌های سخاوتمندانه‌شان در مورد گزینش مقطع تاریخی خاصی برای پرداختن به موضوع، در ابتدای کار مایه‌ی دلگرمی بود و سبب شد که با علاقه و جدیت به مطالعه پردازم. البته جا دارد از استاد مشاور محترم؛ جناب آقای دکتر مراثی تشکر کنم که با صبر و حوصله، کار را مطالعه و نظرات خود را ابراز نمودند.

ایران باستان در سه هزاره‌ی گزینش شده، بستر تمدن‌هایی با ویژگی‌ها و خصوصیات منحصر بفرد بوده که در مناطق جغرافیایی متفاوت استقرار پیدا کردند. بسیار بدیهی است که پرداختن به تک‌تک آنها مستلزم وقت و انرژی فراوانی است و در زمان پیش‌بینی شده برای اتمام یک پایان‌نامه نمی‌گنجد، کما اینکه اگر قرار می‌بود در این مدت کوتاه به همه‌ی آنها پرداخته شود، به جرأت می‌توان گفت؛ حاصل کار چیزی جز پراکنده‌گویی نمی‌بود. پس تصمیم بر این شد که با محدود کردن موضوع به چند منطقه‌ی خاص پیش برویم. در همین اثنا و در پی برگزاری نمایشگاهی در موزه‌ی ملی (ایران باستان)- که آثار بدست آمده از یکدوره چهار ساله حفاری در مناطق مختلف ایران را به معرض نمایش عموم گذاشته بود- به صورت کاملاً اتفاقی، دکتر یوسف مجیدزاده را- که به تازگی از فرانسه به ایران آمده بودند- ملاقات کردم و قرار بر این شد که در دفتر مؤسسه‌ی فرهنگی پیشین پژوه خدمت ایشان برسم. در طی مصاحبتی دو ساعته که امکانش فراهم شد، دکتر مجیدزاده در مورد اهمیت مناطق باستانی ایلام و به خصوص جیرفت به عنوان دو حوزه‌ی تمدن‌ساز صحبت کردند. برخورد گرم و صمیمانه و همچنین توصیه‌ها و راهنمایی‌ها و تشویق‌های ایشان، من را برای ادامه‌ی کار مصمم‌تر نمود. دیدار با سرکار خانم دکتر ژاله آموزگار (ایشان را به توصیه‌ی جناب آقای دکتر آیت‌اللهی ملاقات نمودم). و همچنین جناب آقای دکتر محمدرحیم صراف؛ استاد گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران و آزاد اسلامی و هم صحبتی با این دو بزرگوار- البته به صورت مجزا- برای من بسیار سودمند و مفید بود. دکتر صراف، هر چند که بر عدم ارتباط رشته‌ی تحصیلی و موضوع پایان‌نامه‌ی من خرده گرفتند، بر اهمیت تمدن ایلام و آثار بدست آمده از این منطقه‌ی جغرافیایی تأکید کردند و همچنین اجازه‌ی شرکت در یکی از کلاس‌های درس خود- در مقطع کارشناسی ارشد رشته‌ی باستان‌شناسی- که مرتبط با این موضوع بود را به من دادند که جا دارد مراتب تشکر قلبی خود را از این انسان فرهیخته ابراز دارم.

راهنمایی‌های سرکار خانم آموزگار هم بسیار مثرتر بود که از این بانوی بزرگوار هم سپاسگزاری می‌نمایم. بنا به توصیه‌ی ایشان؛ حوزه‌ی تمدن‌ساز کرمان با مناطقی چون: شهداد و تپه‌یحیی را مد نظر قرار دادم و این موضوع را با دکتر نادعلیان در میان گذاشتم و در نهایت قرار بر این شد که با تمرکز بر دو حوزه‌ی جنوب‌غربی: ایلام و جنوب‌شرقی: شهداد، جیرفت و تپه‌یحیی کار را به انجام برسانم. در مورد دو حوزه‌ی باستانی شهداد و تپه‌یحیی لازم بذکر است که هر کدام از آنها صرفاً در یک مقطع زمانی خاص مورد بررسی و کاوش قرار گرفتند و با وجود غنای آثاری که در طی حفاری‌ها

بدست آمدند، ولی تا به امروز کمتر مورد توجه بوده‌اند که البته تپه‌یچی در مقایسه با شهداد کمتر شناخته شده است. نتایج کاوش‌های هیأت باستان‌شناسی دشت لوت به سرپرستی مرحوم علی حاکمی که در ابتدا به انگلیسی منتشر شده بود، سال‌ها بعد به فارسی برگردانده شد. علاوه بر این منبع، پژوهشگران اندکی چون: میرعابدین کابلی مقالاتی در این زمینه تألیف کرده‌اند. می‌توان گفت شرایط این منطقه حتی پس از کاوش و برگزاری نمایشگاهی در سال ۱۳۵۱ه. ش که دستاوردهای این گروه را به معرض نمایش قرار داد؛ چندان تغییری نکرد و شهداد دوباره در خاموشی تاریک فرو رفت. به جرأت می‌توانم بگویم که تعداد زیادی از ساکنان استان کرمان و به خصوص شهداد در مورد این منطقه‌ی باستانی بسیار کم و یا اصلاً نمی‌دانند. این مطلب از آنجا مشخص شد که در طی سفر به این شهرستان از هر کسی که در مورد منطقه‌ی باستانی سؤال پرسیدم، چیزی نمی‌دانست و جالب‌تر اینکه متصدیان کمپ میراث فرهنگی از "کلوت‌ها"ی شهداد به عنوان مکان باستانی نام می‌بردند! البته در نهایت من هم موفق به دیدن منطقه‌ی مورد نظر نشدم و به علت گرمای بسیار شدید هوا مجبور به ترک محل شدم.

نتیجه‌ی کاوش‌های تپه‌یچی هم به صورت جسته و گریخته به فارسی ترجمه شده است. از عمر حفاری‌ها در این منطقه به سرپرستی پروفیسور کارلوفسکی بیش از چهار دهه می‌گذرد و بعد از وی هم این مکان به سرنوشتی مشابه شهداد گرفتار شد. بعد از گذشت سالیان دراز و در حالی که کمتر کسی به فکر تپه‌یچی بود، دانشگاه هاروارد در سال ۲۰۰۱ میلادی اقدام به چاپ کتابی کرد که جمعی از برجسته‌ترین باستان‌شناسان جهان شامل: کارل لمبرگ-کارلوفسکی، دنیل پاتس (D.T.Potts)، هالی پیتمن (Holly Pittman) و فیلیپ کول (Philip.L.Kohl) در مورد حفاری‌های این منطقه مقالاتی نوشته بودند.

جیرفت که در مقایسه با دو منطقه‌ی پیشین از نظر حفاری و کاوش‌های انجام شده، منطقه‌ی جوانتری محسوب می‌شود، از لحاظ حجم مقالات، تعداد کتب منتشر شده و همایش‌های برگزار شده، جلوتر از آنها می‌باشد. علت این مسأله به نوعی مرهون غارتگران آثار باستانی است که مدت‌ها پیش از حفاری‌های علمی، باعث خروج تعداد زیادی اشیای تاریخی از کشور و ورود آنها به موزه‌ها و مجموعه‌های خارجی شدند. سرانجام با تشکیل گروه باستان‌شناسی جیرفت به سرپرستی دکتر مجیدزاده، وضعیت نامطلوب منطقه تا حدی سر و سامان داده شد که البته پس از چند فصل حفاری، هم اینک کاوش در این منطقه متوقف شده ولی با نهایت خوش بینی باید امیدوار بود که جیرفت به

سرنوشت شهداد و تپه‌یحیی دچار نگردد. اینجانب پس از مطالعه‌ی منابع مربوطه، از موزه‌ی باستان‌شناسی این شهرستان دیدن کردم. لازم بذکر است که موزه نسبت به حجم آثار اکتشافی، چندان غنی نبود و نور پردازی نامناسب؛ امکان عکسبرداری را سلب می‌نمود. با وجود این مسایل، ریاست موزه که جا دارد از ایشان نهایت سپاسگزاری را به عمل آورم، تصاویر تعدادی از آثار را به همراه یک فیلم مستند در اختیار من قرار دادند. در این فیلم که روند کشف اتفاقی آثار باستانی تا فعالیت‌های گروه باستان‌شناسی در این منطقه را روایت می‌کرد، برای اولین بار پروفیسور هالی پیتمن را دیدم و تصمیم گرفتم با ایشان ارتباط برقرار کنم؛ ارتباطی که تا به امروز هم تداوم یافته و تبدیل به دوستی شده است. راهنمایی‌های ایشان به خصوص در مورد مناطق باستانی کرمان و از همه مهمتر تشویق‌ها و دلگرمی دادن‌های این بانوی بزرگوار را از یاد نمی‌برم و برای همیشه قدردان ایشان خواهم بود.

در طی انجام کار بارها از منابع موجود در کتابخانه‌ی پر بار موزه‌ی ملی (ایران باستان) استفاده کردم، از تمامی کسانی که در این گنجینه‌ی نفیس زحمت می‌کشند، تشکر می‌کنم. لازم بذکر است که مجموعه کتب ارزشمندی که حاصل فعالیت‌های گروه‌های مختلف باستان‌شناسی فرانسوی در ایران می‌باشد و تحت عنوان M.D.P شناخته می‌شود- و جای بسی افسوس است که هنوز ترجمه نشده‌اند-، منابع فوق العاده ارزشمندی هستند که بخش بزرگی از تاریخ تمدن ایران را در دل خود ثبت کرده‌اند. مجموعه‌ی فوق که در کتابخانه‌ی موزه‌ی مذکور موجود می‌باشد، دستاوردهای باستان‌شناسانه‌ی فرانسویان از سال ۱۸۹۷ تا ۱۹۷۶ میلادی را شامل می‌شود؛ د. مورگان، لامپر، گوته (Gouteir)، شیل (V.Scheil)، د. مکمن (de Macquenem)، گیرشمن، آمیه، لوپرتون (L.Lebreton)، واکر (J.Walker)، پزارد (G.Pezard) و بسیاری دیگر در زمره‌ی کسانی بودند که در تألیف این مجموعه‌ها نقش داشتند. جا دارد قدردانی خود از این افراد را هم ابراز دارم.

لازم بذکر است که جهت تهیه‌ی تصاویر تعدادی اثر مهر به بخش مهر و سکه‌ی موزه‌ی ملی مراجعه نمودم. از سرکار خانم باصری که با صبر و حوصله مرا یاری نمودند و همینطور مسئول واحد عکاسی این بخش بی نهایت سپاسگزارم.

آماده کردن و مرتب نمودن تمامی تصاویر و صفحه آرایی این پایان‌نامه حاصل زحمات فراوان دوست عزیزم؛ خانم هدی یوسفی است، امیدوارم که بتوانم پاسخگوی تمامی محبت‌هایش باشم. جناب آقای علیرضا هاشمی‌نژاد با سخاوت تمام، اجازه‌ی استفاده از کتابخانه‌ی شخصی خود را به من دادند و بارها از نظرات و راهنمایی‌های این بزرگوار بهره بردم، جا دارد از ایشان هم قدردانی نمایم.

زحمت ویرایش کار را همسرمتقبل شدند که از ایشان هم به خاطر همه‌ی زحماتشان تشکر می‌کنم. اما لازم می‌دانم به این نکته اشاره کنم که مجموعه‌ی حاضر حاصل تقریباً دو سال مطالعه‌ی اینجانب می‌باشد. با وجود تمام کمبودهایی که به خصوص در این حوزه وجود دارد-از قبیل ترجمه نشدن تعداد زیادی متون مرتبط، عدم دسترسی به تصاویر باکیفیت خیلی از آثار، مقدور نبودن تهیه‌ی پرینت از برخی نمونه‌ها به خصوص در کتابخانه‌های ملی و موزه‌ی ایران باستان و...-تلاش کردم تا کار را به انجام برسانم. مورد دیگر اینکه فصول اول، دوم و سوم که به ترتیب به بررسی اوضاع تاریخی، فرهنگی و مذهب و اعتقادات در ایلام و جنوب شرق ایران اختصاص داده شده‌اند، درست است که از جهتی مطالعات صرف تاریخی محسوب می‌شوند، لیکن با توجه به درهم‌تنیدگی اسطوره و تاریخ؛ این مطالعات بن‌مایه‌ی کار قلمداد می‌شوند. بنابراین خود را ملزم دانستم که اطلاعات کاملی راجع به این مناطق-در حد توان-جمع‌آوری کنم و تا حدودی بتوانم پاسخ‌هایی برای مجهولات ذهنی خود بیابم. بدون شک کاستی‌های زیادی در این پایان‌نامه وجود دارد، لیکن برای کسی که در ابتدای راه می‌باشد، این نواقص؛ اجتناب‌ناپذیرند.

امیدوارم در سایه‌ی عنایات خداوند متعال، موفق به ادامه‌ی این مسیر شوم.

مقدمه

سرزمین باستانی ایران را به جرأت می‌توان یکی از بسترهای مهم تمدن پرور قلمداد کرد. کافی است نگاهی گذرا به تاریخ ایران بیندازیم تا به صحت این مطلب پی ببریم.

مردمی که در مقاطع تاریخی مختلف وارد این آب و خاک شدند، تمدن‌هایی را بنیان نهادند که ما امروزه به آنان می‌بالیم و به عنوان بخشی از تاریخ پرافتخار ایران از آنان یاد می‌کنیم. بدیهی است که ایجاد یک تمدن در گرو تلاش جمعی انسان‌هایی بوده که پا را فراتر از شرایط حاکم بر زمانه‌ی خود گذاشتند و در زمینه‌های مختلف اعم از: کشورداری، وضع قوانین، علوم و هنر، ابداع و کاربرد خط و... به پیشرفت‌های فراوانی نایل آمدند.

تمدن‌های فرهنگ‌ساز؛ قابلیت و قدرت تأثیرگذاری و اشاعه‌ی اجزای متشکله‌ی خود را دارا بودند، به همین علت نقل و انتقالات فکری و فرهنگی به سرزمین‌های همجوار و حتی غیر همجوار به واسطه‌ی روابط تجاری و بازرگانی یا حتی درگیری‌ها و جنگ‌ها صورت می‌پذیرفت، پس بی‌جهت نیست که در پاره‌ای موارد، تشابهات انکارناپذیری میان آثار دو یا چند حوزه‌ی تمدنی دیده می‌شود که البته همین مورد می‌تواند به عنوان یک مزیت بزرگ، مفید واقع شود. به عنوان مثال؛ با وجود اینکه از عمر کاوش‌های شوش بیش از صد سال می‌گذرد و در طی این مدت آثار فراوانی بدست آمده‌اند که نشان‌دهنده‌ی وجود اعتقادات و باورهای ریشه‌دار در بین مردم این سرزمین هستند، اما به علت عدم رمزگشایی خط ایلامی‌آغازین؛ امکان پرداختن به برخی وجوه و زوایای تمدن و فرهنگ این سرزمین

کهن فراهم نمی‌باشد، به همین علت است که موضوعی تحت عنوان *اساطیر ایلامی* وجود ندارد تا بر مبنای آن بتوانیم به تفسیر و توضیح آثار بدست آمده پردازیم. ولی از طرف دیگر همسایه‌ی پُرآوازه‌ی ایلام؛ بین‌النهرین از این حیث بسیار غنی می‌باشد و از آنجایی که این دو تمدن کهن در طی مدت‌های طولانی به علل مختلف با یکدیگر در ارتباط بوده‌اند و همینطور به علت تشابه فراوان میان آثارشان، می‌توان در برخی موارد از اسطوره‌های بین‌النهرینی در جهت تفسیر آثار ایلامی استفاده کرد.

گذشته از این مورد، مراکز باستانی جنوب‌شرق ایران را نباید نادیده گرفت. با در نظر گرفتن دو تمدن بزرگ بین‌النهرین و *سند*؛ به سهولت می‌توان به اهمیت جایگاه آنها پی برد. این سرزمین‌ها به عنوان مناطق تمدن‌ساز؛ در گذرگاه ارتباطی میان دو تمدن مذکور قرار داشتند، پس بدیهی است که در این بین علاوه بر تأثیرپذیری، تأثیرگذار هم بوده باشند. اگر چه عمر حفاری و کاوش‌ها و همچنین حجم آثار اکتشافی از این مناطق نسبت به ایلام و منطقه‌ی جنوب‌غرب ایران کمتر است، این مسأله از اهمیت آنها نمی‌کاهد. البته نمونه خطوط اندکی هم که از این مناطق بدست آمده‌اند- همانند ایلام- به طور کامل خوانده نشده‌اند. با وجود این موارد از جهاتی می‌توان در رابطه با آثار بدست آمده صحبت کرد و به شرح و تفسیر آنان پرداخت.

تمدن‌سازان باستانی، اعتقادات و باورهای عمیقی نسبت به دنیای پیرامون خود داشتند. بنا به عقیده‌ی ایشان؛ جهان سرشار از نیروهایی بوده که او وظیفه داشت با آنها مقابله و یا به نحوی رضایتشان را جلب کند، نیروهایی که قدرت فراوانی داشتند و انسان به تنهایی و با اتکای صرف به نیروی جسمی خویش، توان ایستادگی در برابر آنان را نداشت، پس موجودات پیرامون خود از قبیل: حیوانات، پرندگان و گیاهان را به کمک طلبد و با ترکیب کردن آنان به اشکال مختلف، مخلوقاتی فراطبیعی آفرید که قادر بودند در هر شرایطی به انسان یاری برسانند. لازم بذکر است که تعدادی از این موجودات در زمره‌ی نیروهای شر و زیان آور به حساب می‌آمدند، در واقع تخیل بشر برای تمامی نیروهای خیر و شر طبیعت، صورتی ملموس قایل شد که اگر چه هیچکدام واقعیت خارجی نداشتند، لیکن تبدیل به بخش مهمی از حیات بشر باستانی شدند. تصاویر این موجودات در قالب پیکره (پیکرک)، مهر، ظروف، نقش برجسته و... تکثیر شدند و به طرق مختلف در مناطق وسیعی انتشار یافتند. به تعبیری می‌توان این آثار را در حکم *واسطه‌های فرهنگی* قلمداد کرد که پیام‌های اعتقادی، باورها و در یک کلمه؛ فرهنگ مردم حوزه‌ی جغرافیایی خاصی را به دیگران منتقل می‌کردند. البته همانطور که پیشتر هم گفته شد؛ بدون وجود متونی که بتوان به تفسیر آنها پرداخت، تنها با استناد به یکسری شواهد و مدارک می‌توان

در مورد این آثار صحبت کرد، بدیهی است که امکان دارد کشفیات جدیدتر؛ چشم‌اندازهای تازه‌تری به همراه داشته باشد و به همین دلیل نمی‌توان با اطمینان و یقین کامل ابراز نظر کرد. (لازم بذکر است اگر چه عنوان این پژوهش، کل ایران باستان را در بر می‌گیرد، لیکن ضمن کنکاش و جستجو محرز شد که اغلب آثار با مضمون موجودات ترکیبی در نواحی جنوبی ایران وجود دارند و با توجه به کمیت آثار در این مناطق، تصمیم بر این شد که برای بررسی عمیقتر صرفاً به آثار این مناطق پرداخته شود. قابل ذکر است مصداق و مواردی که در طرحنامه توضیح داده شده نیز متوجه این نواحی می‌باشد).

الف) کلیات تحقیق

الف-۱. بیان مسأله:

هنر ایران باستان مملو از نمادها و نشانه‌هایی است که با وجود گذشت زمان، مفاهیم بسیاری از آنها همچنان ناشناخته مانده و بدیهی است که پی بردن به این مفاهیم و مضامین یا به عبارتی رمزگشایی از آنها می‌تواند به درک جنبه‌های بیشتری از این هنر کمک کند. نمونه‌هایی از این دست که کم هم نیستند، موجوداتی ترکیبی می‌باشند که گونه‌های مختلف آنها با معانی و مضامین متفاوت روی ظروف، مهرهای استوانه‌ای و حتی به صورت مجسمه و نقش برجسته به کار رفته‌اند.

در هنر هزاره‌های چهارم تا دوم پیش از میلاد؛ نمونه‌های فراوانی از این گونه موجودات را می‌توان دید که در واقع می‌توانند حاکی از باورها و اعتقادات مردمی باشند که آنها را به وجود آوردند. اندیشه و تفکری که در پس آفرینش این موجودات بوده، جنبه‌ای است که در بسیاری موارد ناشناخته مانده و مسلماً روشن شدن این معانی و مضامین، می‌تواند گشاینده‌ی راه‌های بسیاری به سوی شناخت حقایق باشند. در برخی موارد تلفیق حیوان با انسان و در سایر موارد ترکیب حیوانات و جانوران مختلف با هم منجر به شکل‌گیری موجوداتی نظیر: "گاو-مرد"، "شیر-انسان"، "شیر دال" و... شده است.

الف-۲. سوال‌های اصلی تحقیق:

۱. چه باورها و اعتقاداتی در تجسم و نقش زدن موجودات ترکیبی دخیل بودند؟
۲. موجودات ترکیبی در هنر ایران باستان (هزاره‌های چهارم تا دوم ق.م) متضمن چه معانی بودند؟
۳. چه تشابهاتی از نظر طراحی بین موجودات ترکیبی نقاط مختلف ایران باستان وجود دارد؟
۴. آیا وجود تشابه میان این آثار می‌تواند مؤید ارتباط فرهنگی یا تجاری بین این مناطق باشد؟

الف-۳. سابقه و پیشینه‌ی تحقیق:

در مورد هنر ایران باستان تا به حال کتب زیادی نوشته شده که زوایا و جنبه‌های مختلف آن را مورد بررسی قرار داده‌اند. از جمله مواردی که در این زمینه وجود دارند، می‌توان به: *هنر ایران*؛ آندره گدار، *هنر ایران باستان (تمدنهای پیش از اسلام)*، شناخت اساطیر ایران؛ جان هینلز، جیرفت، کهن‌ترین تمدن شرق؛ یوسف معیدزاده، فرهنگ‌های هنری ایران: ماقبل تاریخ، هنر مادی، هنر هخامنشی؛ گیرشمن، *ایران از آغاز تا اسلام*، شوش یا کهن‌ترین مرکز شهرنشینی جهان، ایران، کلد، شوش و... اشاره کرد. از معدود محققینی که دوره‌ی مورد نظر (هزاره‌های چهارم تا دوم ق.م) را به صورت مستقل معرفی می‌نماید؛ "ادیت پرادا" می‌باشد که در کتابش *Ancient Iran: The art of pre-islamic*؛ عنوان پیش‌عیلامی را به این دوره اطلاق کرده و نمونه‌های معدودی را در بعضی موارد به صورت تطبیقی مورد بررسی قرار داده است. لازم به ذکر است که در مورد موضوع این پایان‌نامه، کتبی که وجود دارند شاید از لحاظ تصویری و شرح و توصیفات تا حدودی به آن پرداخته‌اند (هر چند که در مقایسه با سایر موضوعات، حجم بسیار کمی از این کتب به این موضوع اختصاص داده شده است.) ولی آنچه که مسلم است در بسیاری موارد هنوز به درستی پژوهش و بررسی نشده است.

آنچه در ادامه آمده، بررسی تعدادی از منابع می‌باشد. اگر چه در ارتباط با این موضوع به طور خاص کتبی وجود ندارند-به این معنا که به طور انحصاری به چنین موردی پرداخته باشند-لیکن با مطالعه‌ی منابع تاریخی مرتبط با سرزمین‌های مورد نظر، می‌توانیم از لابلای مباحث مطرح شده، نکات مشخصی در ارتباط با دین و فرهنگ و هنر آنان دریافت کنیم.

۱- تاریخ ایلام/پیر آمیه

مؤلف در این کتاب، تاریخ ایلام را به تفصیل مورد بحث و بررسی قرار داده است. وی ابتدا در مورد "دوران آغاز شهرنشینی" (قدیم و جدید) صحبت کرده و تصریح می‌کند که: "مرحله‌ی کاملاً مشخصی را دوره‌ی آغاز شهرنشینی نامیده‌ایم که در آن قدیمترین شهرها، ایجاد و سپس شکفتگی و انبساط پیدا کرده و نوعی سبک زندگی خاص در آنها تحول یافته است." همچنین یکی از وجوه شاخص دوره‌ی آغاز شهرنشینی قدیم را رواج سفالسازی به شیوه‌ی اوروک ذکر می‌کند که از بین‌النهرین سفلی وارد سوزیان شد. "مهرهای دگمه‌ای شکل" هم یکی دیگر از ویژگی‌های این دوره است که تصاویر روی آنها از نقوش هندسی تا موضوعاتی چون: "خدای حیوانات" را در بر می‌گیرد. این موجود شاخدار (خدای حیوانات) در حال مقهور کردن شیرها و مارها به تصویر در آمده است.

اما بی تردید ظهور خط و شکل گرفتن فعالیت‌های وسیع در زمینه‌ی معماری و شهرسازی به خصوص در اوروک از مهمترین دستاوردهای بشر در بین‌النهرین جنوبی بود. این دوره را آمیه؛ "دوره‌ی آغاز شهرنشینی جدید" می‌خواند و بر این مطلب صحه می‌گذارد که؛ "اسناد نادر ولی صحیح نشان می‌دهند که در همین زمان، شوشی‌ها خط را می‌شناخته‌اند ولی بندرت و بزحمت به کار می‌برده‌اند. موارد استعمال آن بیشتر برای یادداشت کردن مقدار محصولات غذایی گوناگون بر روی الواح و روی گلوله‌هایی به اشکال جدید مانند سومر بوده است."

"مهرهای استوانه‌ای" که به نوعی شکل تکامل یافته‌ی مهرهای مسطح و تخت بودند، از بارزترین ویژگی‌های این دوره می‌باشند. روی این استوانه‌ها؛ نقوش تزینی متوالی حک می‌کردند که ابتدایش به انتهایش متصل می‌شد و حکاک‌های مهرها با این نقوش، هنر جدیدی را به وجود آوردند که نفوذ حتمی‌اش بر سایر هنرهای تصویری، غیر قابل انکار می‌باشد. نقوشی که بر پهنه‌ی مهرها حک شدند، بسیار متنوعند و از فعالیت‌های روزمره‌ی انسان تا موضوعات اساطیری را در بر می‌گیرند. بدیهی است که بسیاری از این مهرها؛ اعتقادات و باورها و آیین‌های مردم این سرزمین را همچون کتابی مصور ثبت و ضبط می‌کردند.

در فصل دیگر، مؤلف؛ "دوره‌ی پس از آغاز ایلامی" را مطرح نموده است. شکل گرفتن طبقات اجتماعی، استفاده از مهرهای استوانه‌ای به منزله‌ی طلسم و نظر قربانی و رواج فلزکاری و مجسمه‌سازی از مشخصات این دوره می‌باشد. همچنین "ارباب انواع" و "غول‌ها و موجودات خارق العاده" پا به میدان می‌گذارند. به نظر می‌رسد که دیگر، ایلامی‌ها خدایان را شبیه انسان مجسم نمی‌ساخته‌اند و کوسمولوژی خود را تکامل داده و بعدها قدرت‌های مافوق طبیعت و حاکم را تبدیل به خدایانی کاملاً مافوق انسانی کرده‌اند.

در ادامه آمیه؛ سلسله‌های تاریخی سرزمین باستانی ایلام را در طی یک مطالعه‌ی تطبیقی با سلسله‌های بین‌النهرین مورد بررسی قرار داده است. در دوره‌ی "سومری-ایلامی" (۲۴۰۰-۲۸۰۰ ق.م)؛ رسوم و آداب نیمه افسانه‌ای سومر توسط فتوحات "انمیرگیسی"؛ شاه کیش به ایلام راه یافت. شکست ایلام از سومر باعث شد این سرزمین به شدت تحت نفوذ فرهنگ و تمدن قوم غالب قرار گیرد که از نشانه‌های این امر، متروک شدن خط ملی (ایلامی) و رواج خط سومری بود. همچنین از روی نقوش مربوط به یک مهر استوانه‌ای معلوم می‌گردد که از این زمان به بعد، "زن" در میان خدایان ظاهر گشته است. مؤلف تصریح می‌کند که از همین زمان، ایلام برای ورود در تاریخ علیرغم مبادلات تجارتي بسیار وسیع، طریق رقابت و دشمنی تقریباً مداومی را با قدرت‌های بین‌النهرین در پیش گرفت.

آمیه در ادامه، آخرین قرون هزاره‌ی سوم را تحت عنوان "دوره‌ی آگاده" (حدود ۲۲۵۰-۲۳۷۵ ق.م) مورد بحث قرار داده و ارتباط سرزمین ایلام با امپراطوری مذکور را بیان کرده که چگونه و به چه نحو فرهنگ اکدی در همسایه‌ی شرقی‌اش نفوذ کرده است.

در فصل بعدی؛ همزمانی سلسله‌ی سیماش با دوران سومر جدید در بین‌النهرین (اواخر هزاره‌ی سوم ق.م) مورد توجه قرار گرفته است. در این بخش، هنر اقوام "گوتی" و "لولوبی" هم مطرح شده؛ این هر دو قوم را از نژاد آسیانی دانسته‌اند که پیش از مهاجرت آریاها در دره‌های کوه‌های زاگرس ساکن بوده‌اند. گوتی‌ها؛ عامل فروپاشی امپراطوری اکد بودند و تا مدتی بر بین‌النهرین حکومت کردند تا اینکه در نهایت توسط مؤسس سلسله‌ی پنجم اوروک شکست خوردند و از بابل بیرون رانده شدند. لولوبی‌ها هم که در شمال سرزمین گوتی‌ها ساکن بودند، مزاحمت‌های زیادی برای حکومت‌های سومر و اکد ایجاد کردند ولی سرانجام این دو قوم پس از استقرار آریاها بتدریج از بین رفتند. آمیه در این فصل بر این نکته تأکید می‌کند که: "اگر چه در ایلام پس از اتحاد با ایران، هنرهای کوچک شکفتگی مهمی پیدا کرده ولی حجاری گوتی و لولوبی و شوش همچنان تحت نفوذ هنر بین‌النهرین قرار داشته و خط و موضوعات نقاشی و سبک؛ همه از بین‌النهرین تقلید شده است. در نتیجه چنین به نظر می‌رسد پادشاهان سیماش که از نحوه‌ی زندگیشان، اطلاعی در دست نیست؛ در ساختن فرهنگ زمان خود از همسایگان متأثر گردیده‌اند." همچنین در خصوص آیین تدفین در این دوره به این نکته اشاره شده که مردگان را با آلات و ادواتی که معرف ثروتشان بوده، در تابوت‌هایی از گِل پخته می‌گذاشتند. گاهی مشخصات این مردگان از مهرهایشان که با آنها به خاک سپرده می‌شده، معلوم می‌گردد.

در فصل بعدی کتاب، مؤلف از نحوه‌ی شکل گرفتن حکومت بابلی‌ها در بین‌النهرین سخن می‌گوید که البته به دودمان‌های "ایسین، لارسا و اشنونا" هم به طور مختصر اشاره نموده است. وی در ادامه بیان می‌کند که ایلامی‌ها در اولین قرون هزاره‌ی دوم قبل از میلاد، سلسله‌ی "سوکالماهوها" را پایه‌گذاری کردند که نوعی نظام نوین حکومتی بود. این عنوان که به معنای "شاهزاده‌ی بزرگ" یا "وزیر بزرگ" بوده؛ به پادشاه اطلاق می‌شده که در زمان حیات، برادر کوچکتر خود را به عنوان جانشین و نایب‌السلطنه انتخاب می‌کرد و پسر او از زنی که در عین حال خواهرش نیز بود، تحت عنوان "شاهزاده‌ی شوش" خوانده می‌شد. این مادر؛ "همسر مشفق" نامیده می‌شد و در نقل و انتقالات جانشینی، نقش مؤثری ایفا می‌کرد. مؤلف در این بخش هم به آیین‌های مربوط به تدفین اشاراتی نموده و رواج هنر مجسمه‌سازی را مورد تأیید قرار داده است. اثر حایز اهمیت در اینجا؛ مجسمه‌ی برنزی از الهه‌ای است که به حالت نشسته قرار گرفته و با یک زاویه‌ی قائمه به بدن یک ماهی وصل شده است. آمیه تصریح می‌کند که: "برنزکار تصویر اساطیری جدیدی آفریده که نوع مؤنث مرد-ماهی اصیلی می‌باشد که قبلاً در مجموعه کارهای بین‌النهرین وارد شده بود. این الهه مسلماً خویشاوند الهه‌های کوچکی است که نیمی از بدنشان به صورت امواج آب بوده و قلمرو خدای مغاک و گرداب را مجسم می‌ساخته‌اند و شاید رئیس و سردسته‌ی همه‌ی ارباب انواع ایلامی شبیه او بوده باشد. از زمان سوکالماهوها به بعد گاهی نقوشی در دست است که همین رب‌النوع و یا رب‌النوعی مشابه آن را نشان می‌دهد که روی ماری پیچ خورده، نشسته و خلاصه نقوش بعدی، مشارکت او را با آب‌های زیرزمینی نشان می‌دهد."